



نگاهی به برخی ابعاد ژئوپلیتیک و ژئوکالچر پدیده بی نظیر سال‌های اخیر جهان تشیع

ظرفیت‌های سیاسی و منطقه‌ای راهپیمایی اربعین

در مباحث ژئوپلیتیک همیشه ظهور بازیگران استراتژیک حائز اهمیت بوده است؛ بازیگرانی که ضمن داشتن پتانسیل‌های فراملی، توانایی تغییر مناسبات را در حوزه فراملی خود دارند. نگاهی به منطقه غرب آسیا نشان‌دهنده تغییر مناسبات ژئوپلیتیک با ظهور بازیگران جدید و غیرملی در این منطقه است. در همین ۵ سال اخیر غرب آسیا در حوزه ژئوپلیتیک تشیع و فراتر از آن ژئوپلیتیک جهان اسلام دچار تغییرات فراوانی شده است. برای مثال بازیگری انصارالله در منطقه غرب آسیا و حشدالشعبی به عنوان یک نیروی استراتژیک نظامی تغییراتی را در این سطح از بازیگری در منطقه ایجاد کرده است اما منطقه غرب آسیا اخیراً با نوع جدیدی از تغییرات ژئوکالچر مواجه شده است که به طور خاص از راهپیمایی اربعین می‌توان به عنوان یک نمونه یاد کرد. تغییرات در این سطح با تغییرات در جغرافیای نیروهای نظامی متفاوت است. در ادامه به چند تفاوت این دو حوزه اشاره خواهیم شد.

■ **راهپیمایی اربعین و نسل جدید بازیگری تشیع**
شیعه در حوزه ژئوپلیتیک دچار تغییرات وسیعی شده است. اگر تا پیش از این جغرافیای فعالیت شیعه به مساجد و پایگاه‌های محلی بازمی‌گشت، اینک این جغرافیای سیاسی در حال گسترش به سمت حوزه‌های جدید است. یکی از مهم‌ترین حوزه‌های این جغرافیا، ژئوکالچر شیعه است. ژئوپلیتیک در حال پوشیدن ردای فرهنگی و گرایش به سمت حوزه عمومی شیعیان است. راهپیمایی اربعین یکی از نمودهای بارز تحرک شیعه از جغرافیای سخت سرزمینی به جغرافیای نرم باورهای شیعیان و پیوند این دو مهم است. این ترجمان قدرت ژئوکالچر شیعه است. این موضوع نشان می‌دهد ظرفیت بازیگری در جهان تشیع فراتر از مرزها به حوزه‌های فراسرزمینی نیز تسری می‌یابد و برای رسیدن به موضوعات گفتمان، فاصله زیادی وجود ندارد. شیعیان از بازیگران متفرق جدا شده یا مرزهای «ولت/ملت» در حال تبدیل شدن به یک واحد فرهنگی هستند. این موضوع به هیچ‌وجه به معنی از بین رفتن مرزهای سرزمینی نیست، به عبارت دیگر هیچ منافاتی بین داشتن مرزهای سرزمینی و داشتن یک موجودیت واحد فرهنگی وجود ندارد. موضوعی که در کلیت جهان اسلام به دلایل متعدد از جمله حضور برخی بازیگران منفعت‌جو اتفاق نیفتاد، این بار در ژئوپلیتیک شیعه در حال رخ دادن است.

■ **قابلیت‌های ژئوپلیتیک شیعه**
در زیر به برخی از قابلیت‌های ژئوپلیتیک جدید منطقه با تمرکز بر ژئوکالچر تشیع اشاره خواهیم شد:
- منطقه غرب آسیا سیر و حشدالشعبی نوع جراثم

سازمان یافته شده است، موضوعی که نه تنها قابلیت این را دارد که نظم منطقه‌ای را از بین ببرد، بلکه در نوع خود دولت/ملت‌های منطقه‌ای را نیز دستخوش تغییراتی کرده است.

- علاوه بر نظم سخت منطقه‌ای که با مرزها جدا می‌شود و بازیگران را متفرق می‌کند، مرزها جلوه‌های فرهنگی نیز دارند. مثلاً جلسه فرهنگی نظم اروپایی، دموکراسی لیبرال اروپاست.

- منطقه غرب آسیا نیز قابلیت فرهنگی دارد، اگر چه به سامان فرهنگی نرسیده است اما از این پتانسیل برخوردار است.

- از بین عوامل نظم‌دهنده، مذهب از بیشترین توانایی نظم‌سازی در محیط ژئوکالچر برخوردار است.

- تشیع از انسجام و مشروعیت بیشتری در میان سایر عناصر مذهبی منطقه برخوردار است.

- راهپیمایی اربعین باید در این کانتکس مورد تحلیل قرار گیرد؛ به عنوان نمود و نماد ژئوکالچر منطقه و تنها تجلی نظم جدید فرهنگی منطقه فراتر از مرزهای سخت فیزیکی.

■ **توجه رهبر انقلاب به ظرفیت‌های راهپیمایی اربعین**
رهبر انقلاب در بیانات مختلف‌شان درباره راهپیمایی اربعین، از ابراز علاقه قلبی خود برای حضور در میان مردم خبر داده‌اند. اما چرا رهبری علاقه دارند در این همایش شرکت کنند؟ رهبر انقلاب به واقع در حال صدور پیام ارادت، محبت و علاقه خود به راهپیمایان اربعین به عنوان بازی فرهنگی جدید تشیع هستند. این پیام نشان‌دهنده نگاه تمدنی ایشان به مساله اربعین بوده و این موضوع، همچنین در اصرار ایشان بر موضوع فراسرزمینی نگاه کردن به پتانسیل‌های نهفته در جهان اسلام ریشه دارد. رهبر انقلاب بخوبی می‌دانند مردمی که در این همایش شرکت کرده‌اند، بدون توجه به تعلقات سیاسی وارد این میدان شده‌اند، به همین دلیل است که بار بیانات خود را عاطفی کرده‌اند. به عبارت دیگر به دلیل وجود مناسبات احساسی در راهپیمایی اربعین ایجاد جدیدی بر این موضوع مرتب شده است. از دیگر سو کسر قابل توجهی از جمعیت شرکت‌کننده در این همایش، مستضعفین و همان طیفه‌ای از مردم هستند که یکی از سرمایه‌های اصلی انقلاب اسلامی‌اند. جریان «تشیع انگلیسی» به این همایش عظیم طمع کرده و ضروری است برای جلوگیری از این خدعه تمایلات واقعی مردم مورد دقت قرار گیرد.

■ **همگرایی در منطقه**
در این قسمت به بخش قابل توجه دیگری از اهمیت

مساله اربعین در ژئوپلیتیک شیعه اشاره خواهد شد؛ مساله پتانسیل همگرایی و واگرایی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا. این موضوع حتی فراتر از غرب آسیا و شمال آفریقا به حوزه‌های دیگر جغرافیایی نیز بسط داده شده است و توانسته نفوذ خود را در آنجا نیز پابرجا و زنده نگه دارد.

■ **پتانسیل همگرایی اربعین**
بارزترین مصداق شکل‌گیری نظم در مناطق جغرافیایی وجود عنصر همگراست. عنصر نظم‌ساز در مناطق جغرافیایی، معمولاً هژمون اقتصادی - سیاسی است اما با دقت در نظم در حال ظهور در ژئوپلیتیک شیعه، مشاهده می‌شود عنصر نظم‌دهنده، فرهنگی و مذهبی است. در طول تاریخ نظریه‌پردازان، مشهور بوده که مذهب به تداوم ژئوپلیتیک کمک و به دلیل ماهیت فرامرزی‌اش، ثبات یا بی‌ثباتی طولانی‌تری ایجاد می‌کند. اربعین و راهپیمایی این روز را باید در این بستر مورد بررسی قرار داد، پدیده‌ای با پتانسیل همگرایی مذهبی - اجتماعی که توان ایجاد نظم ژئوپلیتیک جدید منطقه‌ای را دارد. به همین دلیل است که جنگ‌های مذهبی طولانی‌ترند.

■ **وجه تمایز رهبری منطقه‌ای ایران**
بسیاری از کارشناسان بر آنند که ایران از ابعاد گسترده‌ای از شاخص‌های رهبری منطقه‌ای برخوردار است. از جمله این ابعاد می‌توان به توانایی جریان‌سازی در کشورهای مقصد اشاره کرد. تفاوت بین ایران و عربستان نه تنها در عمق قدرت ملی ایران است که آن هم برخاسته از روحیه ملی است، بلکه در توانمندی ایران در موج‌سازی و جریان‌سازی نیز هست. یکی از شاخص‌های هژمونیک ایران در سطح منطقه‌ای، توانمندی برای ایجاد موج اجتماعی در منطقه است. جمهوری اسلامی به دلیل ماهیت خود، به واسطه فهم خواست عمومی و مطالبات حداکثری مردم منطقه توان فهم جریان‌های اجتماعی و متعاقباً جریان‌سازی اجتماعی را نیز دارد. یکی از مهم‌ترین نمادهای این موضوع را می‌توان در شکل‌گیری نهضت مخالفت با تروویسم در مردم منطقه دید. تا پیش از این تصور می‌شد مساله مبارزه با تروویسم مساله‌ای مختص دولت‌هاست اما با تغییر نگرشی که در مردم منطقه از باز بازیگری ایران و مردم ایران) به وجود آمده این برداشت از بین رفت و مردم خود را مکلف به مبارزه با تروویسم می‌دانند. حشدالشعبی عراق، حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن نمادهای این برگرفتن از الگوی جریان‌ساز اجتماعی ایران در سطح منطقه‌ای‌اند. زمانی که حزب‌الله لبنان به وجود آمد تقریباً هیچ گروه اسلامی مبارزه با تروویسم دولتی وجود نداشت که بتواند در مقابل رژیم

صهیونیستی عرض اندام کرده و آن را تهدید به نابودی کند. درباره توانمندی ایران برای ایجاد موج اجتماعی می‌توان به حادثه راهپیمایی اربعین حسینی و بسیج اجتماعی - فرهنگی شیعیان نیز اشاره کرد.

■ **گستره ژئوکالچر عاشورا و تفاوت در ۲ حوزه ژئوپلیتیک و ژئوکالچر**
درباره تفاوت‌های بین ۲ حوزه ژئوپلیتیک و ژئوکالچر باید به ابعاد نرم‌افزاری حوزه ژئوکالچر و ابعاد سخت‌افزاری حوزه ژئوپلیتیک اشاره کرد. یکی از تمایزها، تمایز در مرزهای ژئوپلیتیک و ژئوکالچر است؛ در حالی که مرزها در حوزه ژئوپلیتیک مرزهای سخت و نظامی است، مرزها در حوزه ژئوکالچر مرزهای عقیدتی است، به عبارتی در این حوزه مشخصاً حصار و سرزمین قابل تفکیک نیست. دومین موضوع این است که ژئوپلیتیک حوزه منازعات بر سر جغرافیای فیزیکی است ولی ژئوکالچر حوزه منازعات بر سر جغرافیای فرهنگی. به عبارتی هیچ تمایزی بین آزادی‌خواهی شیعه به مهاتما گاندی و... با کسانیکه اعتقادات شیعی دارند وجود ندارد. نقطه تمایز سوم این است که ژئوپلیتیک حوزه امنیت سخت است اما ژئوکالچر حوزه امنیت نرم.

■ **ژئوپلیتیک حوزه مرزهای جغرافیایی است اما ژئوکالچر حوزه مرزهای عقیدتی**
نگاهی به اخبار جهان تشیع درباره عزاداری امام حسین(ع) نشان‌دهنده وسعت نفوذ ژئوکالچر شیعه در بیشتر کشورهای جهان است. در گستره وسیع‌تری از حوزه بین‌المللی است. برخی از این عزاداری‌ها با بازتاب‌هایی توسط رسانه‌های غربی همراه بوده است. همانطور که در گزارش «یورونیوز» مشهود است، در اغلب کشورهای این مراسم روز عاشورا برگزار و تکریم می‌شود، قاطبه جمعیت سنی نشین هستند. به عبارتی تسری فرهنگ عاشورایی یا تکریم شهادت امام سوم شیعیان محدود به جهان تشیع نشده است. یورونیوز یکی از رسانه‌های است که به عزاداری‌های محرم پرداخته است. در گزارش یورونیوز آمده است: از ارمنه ایران که به احترام هموطنان خود در محرم سیاه می‌پوشند تا زرتشتیان که امام سوم شیعیان را داماد ایرانیان می‌دانند (زیرا او همسر شهروان، دختر یزدگرد بوده)، جوامع مسلمان و غیرمسلمان به غیر از ایران در اقصی نقاط جهان مراسم عاشورا را به شیوه خود برگزار می‌کنند.

■ **ژئوپلیتیک حوزه منازعات بر سر جغرافیای فیزیکی است ولی ژئوکالچر حوزه منازعات بر سر جغرافیای فرهنگی**
بر اساس همین ویژگی حوزه ژئوکالچر است که

هیچ تفاوتی بین مردم در دورترین نقطه غرب آسیا و شمال آفریقا یعنی در مصر با مردمی که در دورترین نقطه شرق آسیا و جنوب آسیا یعنی هند و بنگلادش زندگی می‌کنند وجود ندارد و حوزه‌های گفتمانی جهان تشیع توانسته خود را در گستره ژئوپلیتیک سخت تسری داده و به آن نفوذ کند. موضوع نفوذ فرهنگی آموزه‌ها و زیرگفتمان‌های جهان تشیع به حوزه جغرافیای سرزمینی ناهمگن، مساله بسیار مهمی است که می‌توان از آن برای تسری حوزه‌های دیگر گفتمانی بهره جست. علت‌یابی این موضوع می‌تواند در به وجود آمدن یک فهم صحیح برای تسری به حوزه‌های دیگر کارگر افتد. یکی از این علل تسری می‌تواند مظلومیت تلقی شود. بی‌تردید با شنیدن نام عاشورا و امام حسین در ذهن کسانی که تکریم‌کننده آموزه‌های عاشورا هستند، مظلومیت بارور می‌شود. سوی از آن دادخواهی است، دادخواهی نیز یکی از دیگر از زیرگفتمان‌های تداعی‌کننده قیام امام حسین است. از دیگر زیرشاخه‌های گفتمان امام حسین می‌توان به مفهوم آزادی اشاره کرد. موضوعی که توانسته بسیاری از انسان‌هایی را که در جست‌وجوی این مفهوم هستند به خود جذب کند.

■ **ژئوپلیتیک حوزه ابزار و سخت‌افزار است و ژئوکالچر حوزه انسانیت و نرم‌افزار**
این موضوع را بخوبی می‌توان در قیام عاشورا و تأثیری که داشته است، مشاهده کرد. «امام حسین در فرهنگ بشریت چون قاعده زرین ادیان، فصل مشترک مذاهب و مرام‌های دینی و قومی و فکری است. نور او چون جد و پدر بزرگوارش مرزهای تاریخی و جغرافیایی را در نوردید و انسان‌های روشن‌ضمیر از مهاتما گاندی هندی و توماس کارلایل و اندوار گیبون انگلیسی، تا واشنگتن ایروینگ آمریکایی، توماس مان و کورت فیشر آلمانی و توماس مازاریک اسلواک و هزاران تن دیگر را متأثر و شیفته کرد. توماس کارلایل از بزرگ‌ترین نویسندگان و فیلسوفان قرن ۱۹ اروپا و انگلستان، در کتاب مشهور خود «قهرمانان»، بارها شخصیت پیلمبر بزرگ اسلام، علی(ع) و امام حسین(ع) را ستایش می‌کند. جمله مشهور «علی را نمی‌شود دوست نداشت» از او است. کارلایل در توصیف امام حسین(ع) می‌گوید حسین نماد اعتقاد راسخ بر خداوند، برای همیشه اثبات کرد و به همه آموخت آنجا که بی‌عدالتی و تفرعن در برابر حقیقت و عدالت صفارایی می‌کند، نفوق نفرت و مادیات اهمیت خود را می‌بازد خون حسین همچنان می‌جوشد و سفینه نجات بشریت را همچنان پیش می‌برد.

منبع: بهران

روزنه

رابطه تکامل بشری با ختم نبوت

با واژه «تکامل» همه آشنا هستیم. همه‌جا سخن از تکامل است؛ تکامل جهان، تکامل جانداران، تکامل انسان و اجتماع. این تکامل چیست و چگونه صورت می‌گیرد؟ آیا یک سلسله علل تصادفی است که منجر به تکامل می‌شود یا در سرشت آن چیزی که متکامل می‌شود، میل و جذبه‌ای به سوی تکامل هست و او راه خود را از پیش انتخاب و مشخص کرده است؟ آیا حرکت تکاملی همواره روی خط معین و مشخص و با هدف و مقصد شناخته شده انجام می‌شود یا این حرکت چندی یک بار تحت تأثیر علل تصادفی روی یک خط قرار می‌گیرد و پیوسته تغییر جهت می‌دهد و هیچ‌گونه هدف و مقصد مشخص ندارد؟

از نظر قرآن کریم سیر تکاملی جهان و انسان و اجتماع، یک سیر هدایت شده و هدفدار است و روی خطی است که «صراط مستقیم» نامیده می‌شود و از لحاظ مبدأ و مسیر و منتها، مشخص است. انسان و اجتماع متحول و متکامل است ولی راه و خط سیر، مشخص و واحد و مستقیم است: «و ان هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه و لا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیله ذلکم وصاکم به لعنکم تقنون؛ و همانا راه راست من همین است، پس از آن پیروی کنید و از راها ای متفرق! پیروی نکنید که شما را از راه او برانگند می‌سازد. این است آنچه خدا شما را به آن سفارش کرد، باشد که شما پرهیزکار شوید.» (انعام/۱۵)

یکی خط است از اول تا به آخر / بر او خلق خدا جمله مسافر
تکامل انسان به این نحو نیست که در هر زمانی تحت تأثیر یک سلسله علل - صنعتی اجتماعی - اقتصادی - در یک راه حرکت کند و دائماً تغییر مسیر و تغییر جهت بدهد. اینکه قرآن با اصرار زیاد بر این می‌داند که فقط به یک شاهراه قائل است و اختلاف شریاع و قوانین را مربوط به خطوط فرعی می‌داند، مبتنی بر این اصل فلسفی است. بشر در مسیر تکاملی خود مانند قافله‌ای است که در راهی و به سوی مقصد معینی حرکت می‌کند ولی راه را نمی‌داند و هر چندی یک بار به کسی برخورد می‌کند که راه را می‌داند و با نشانی‌هایی که از او می‌گیرد دهها کیلومتر نیازمند راهنمایی جدید است، با نشانی گرفتن از او افسق دیگری برایش روشن می‌شود و طی می‌کند تا بتدریج خود قابلیت بیشتری برای فراگیری پیدا می‌کند و می‌رسد به شخصی که «نقشه کلی» را از او می‌گیرد و راهنمای جدید بی‌نیاز می‌شود.

قرآن با توضیح این نکته که راه بشر یک راه مشخص و مستقیم است و همه پیامبران بسا همه اختلافاتی که در راهنمایی و داندنشانی به حسب وضع و موقع زمانی و مکانی دارند، به سوی یک مقصد و یک شاهراه هدایت می‌کنند، جاده ختم نبوت را صاف و رکن دیگر از ارکان آن را توضیح می‌دهد، زیرا ختم نبوت آنگاه معقول و متصور است که خط سیر این بشر متحول متکامل، مستقیم و قابل مشخص کردن باشد اما اگر همانطور که خود بشر در تکاپو است و هر لحظه در یک نقطه است، خط سیر او نیز دائماً دستخوش تغییر و تبدیل باشد و نهایت و مقصد و مسیر، مشخص نباشد و در هر برهه‌ای از زمان بخواهد در یک جاده حرکت کند، بدیهی است ختم نبوت - یعنی دریافت یک نقشه و برنامه کلی و همیشگی - معقول و متصور نیست

منسب: «ختم نبوت» نوشته استاد شهید مرتضی مطهری

در شبکه‌های اجتماعی @vatanemrooz

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲ دریافت پیام‌های شما از سراسر کشور

نقشه الیگارش‌ی آمریکا برای بزرگ‌ترین سرقت تاریخ این کشور

معتمدن طبقه متوسط خوبی با این کاهش مالیاتی کنار خواهند آمد، چرا که آنها تخفیف مالیاتی استانداردتری را دریافت خواهند کرد اما این مساله صحت ندارد. میانگین صورتحساب مالیاتی آمریکایی‌ها با این طرح جمهوری خواهان افزایش خواهد یافت، چراکه آنها مجموع، چیزی بیش از تخفیف مالیاتی استانداردتری که جمهوری خواهان پیشنهاد می‌کنند، از دست خواهند داد. دومین روشی که به موجب آن آمریکایی‌ها توسط جمهوری خواهان مورد سرقت قرار خواهند گرفت این است که بیشتر آمریکایی‌ها خدمات دولتی‌ای را از دست خواهند داد که به منظور تأمین هزینه‌های این کاهش مالیاتی عظیم، محکوم به حذف خواهند بود. این خدمات



به احتمال زیاد شامل خدمات درمانی هم خواهد بود. در لایحه بودجه‌ای که جمهوری خواهان آن را تأیید کردند حدود ۱/۵ میلیارد دلار از هزینه‌های خدمات درمانی کاسته شده تا به واسطه این، آنها بتوانند با ۵۱ رای از سنای این لایحه مالیاتی را به تصویب برسانند (در همین حین

حامیان ثروتمندشان متمرکز کرده‌اند. جمهوری خواهان به دنبال آن هستند تا به سرعت و قبل از اینکه کسی متوجه نقشه آنها شود طرح خود را پیش ببرند. آنها درصدها هستند بدون آنکه در جلسه استماعی شرکت کنند یا اینکه بحث و مشاجره‌ای در این باره پیش بیاید، تا پیش از کریسمس طرح کاهش مالیاتی خود را به تصویب برسانند. اگر این نقشه با موفقیت همراه شود بیشتر مردم آمریکا از ۳ طریق مورد سرقت قرار خواهند گرفت. اول اینکه مردم آمریکا تخفیف مالیاتی را که روی آن حساب باز کرده‌اند از دست خواهند داد؛ به عنوان مثال، معافیت از پرداخت مالیاتی که در طرح (k401) در نظر گرفته شده است (k401) یک طرح پس‌انداز بازنشستگی است که برعهده کارفرماست؛ بر اساس این طرح، کارگر می‌تواند بخشی از حقوق ماهانه خود را قبل از آنکه مالیات از اصل حقوق وی کسر شود، پس‌انداز سرمایه‌گذاری کند. مبلغ سرمایه‌گذاری شده تا وقتی از حساب خارج نشده است معاف از مالیات باقی خواهد ماند. در حال حاضر حدود ۵۵ میلیون آمریکایی، روی برنامه‌های وابسته به طرح (k401) برای پس‌انداز دوران بازنشستگی حساب کرده و به نوعی به آن اعتماد کرده‌اند. در صورتی که طبق طرح جدید جمهوری خواهان، مردم تخفیف‌های مالیاتی دولتی و محلی را از دست خواهند داد. بیشتر از نیمی از این تخفیف مالیاتی در حال حاضر به مالیات‌دهندگان با درآمد کمتر از ۲۰۰ هزار دلار تعلق می‌گیرد. جمهوری خواهان در برابر این مساله و انتقاد

رابرت ریچ* نقشه این است: سارقان در خیابان نزدیک به بانک بمبی را منفجر می‌کنند و در حالی که همه حواس‌ها به سمت انفجار این بمب منحرف شده است، پول‌ها را به سرقت می‌برند. وای واقعیتهی که در تلویزیون به نمایش گذاشته می‌شود، ترامپ همان بمب است و ما همان کسانی هستیم که ضرر می‌کنیم. سارقان بانک همان الیگارش‌ی آمریکا هستند که از حزب جمهوری خواه حمایت مالی می‌کنند و در حال طراحی بزرگ‌ترین سرقت در تاریخ این کشور هستند. این سرقت شامل یک طرح محدود کردن کاهش مالیاتی کلان است که رقم آن تا ۵۸۰ تریلیون دلار برآورد می‌شود. بر اساس داده‌های مرکز سیاست مالیاتی آمریکا، حدود ۸۰ درصد این رقم به یک درصد افراد ثروتمند جامعه آمریکا خواهد رسید. ترامپ بشدت و بسیار فعالانه با توثیق‌های انفجاری و اقدامات فتنه‌انگیزانه خود در حال انحراف افکار عمومی آمریکا از این مساله است. او این کار را با انتقاد شدید از سناتورهای جمهوری خواهی نظیر «جف فلیک» و «جاب کروکر» بازیکن تیم ملی رانگی که زانو می‌زنند، رویاپردازان،^(۱) پناهجویان، مهاجران، رسانه‌ها، مرد موشکی (لقبی که ترامپ به رهبر کره شمالی داد)، هیلاری کلینتون، اوپاما، مسلمانان، اعضای پیمان نفتا و افرادی که به دنبال آینده بهتر در آمریکا هستند، انجام می‌دهد. بمب ترامپ بسیار آسیب‌زاست و باعث رواج و اشاعه تنفر در جامعه آمریکا خواهد شد و همچنین نهادهای دموکراتیک در این کشور را تهدید خواهد کرد. با این حال به نظر نمی‌رسد این مسائل باعث آزار جمهوری خواهان کنگره شود مگر اندک سناتورهایی که به دنبال کاندید شدن مجدد برای راهپیمایی به سنای هستند. این مساله به این دلیل است که جمهوری خواهان کنگره تلاش‌های خود را بر هموار کردن مسیر سرقت بزرگ